

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سعید عطاپور و یادداشت پورتال
۰۵ مارچ ۲۰۱۹

از ال هیگونا (*) تا کاراکاس تقوایی و کمونیستهای امپریالیستی

آرزوی نهائی و قلبی این دار و دسته باند سیاهی که نام کمونیسم و کارگر را بر خود گذاشته است، چیزی نیست جز آنچه که ترمپ و بولتون واضح و روشن آن را بیان می کنند: نابودی ونزولا، نیکاراگونه و در نهایت کوبا. نابودی ویروس مبارزه برای عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در امریکای لاتین ونزولا به سمت تحولاتی خونین پیش می رود و چپ ایرانی، از رادیکالهای سوپر انقلابی تا دموکراتهای سوپر آزادیخواه، ساکت است. سکوتی باشکوه. اما سکوت این نیروها جای تعجب ندارد. اقدامی آگاهانه است. سیصد نفر از این خودفروختگان همین چند روز پیش برای یکی از هارترین سران سازماندهی کودتا در ونزولا یعنی خانم مرکل، نامه ای فدایت شوم نوشته و از ایشان خواستار دخالت بیشتر و مؤثرتر در ایران برای سرنگونی گردیدند (منظورشان هم دقیقاً مثل دخالت مؤثر المان و ناتو در ونزولا است). تازه به همین هم بسنده نکرده و به ایشان هم کرسی سخنگویی افتخاری جنبش کارگری ایران را به دربار ایشان تقدیم کردند. با پایبوسی از رئیس یکی از هارترین دولتهای سرمایه داری جهان چاپلوسانه از او تمنا میکنند، به [کمپین "کارگری ؟؟؟؟" نجات اسماعیل بخشی] بپیوندند و علنی از او حمایت کند.

هر آدم با شرفی که چرندیات این باند مزدور آپیک و سرمایه داری یونکری المان را درباره نه این نه آن بلکه خط سوم کدائی کمونیسم کارگری و طرح همزمان خواست حمایت و موازی از "انقلاب" مردم [راستها، فاشیستها، طبقه متوسط و بالا در ونزولا] را کنار هم بگذارد، فوری متوجه خواهد شد، که اینها مشغول دفاع از چه نیروهائی در سطح جهان هستند. آرزوی نهائی و قلبی این دار و دسته باند سیاهی که نام کمونیسم و کارگر را بر خود گذاشته است، چیزی نیست جز آنچه که ترمپ و بولتون واضح و روشن آن را بیان می کنند: نابودی ونزولا، نیکاراگونه و در نهایت کوبا. نابودی ویروس مبارزه برای عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در امریکای لاتین. برای آنها مجاهدتهای کارگران ونزولا و دستاوردهای کوبا منبع نیروبخش نیست، مزاحم است. مزاحم ساخت و پاخت با اروپای واحد امپریالیستی و بند و بست با کنگره آمریکا.

ملیجکهای اینها قبلاً [اعلام کرده اند](#) که "اقتصاد دستوری" اخ است و راه چاره هم اقتصاد غیر دستوری [بخوان بازار آزاد] است. مرشد شیرین بیان این جریان، تقوایی، نیز پیشاپیش دیگران با وقاحتی که فقط نزد مزدوران معمول است، علناً در یک مصاحبه ویدیویی اعتراف می کند که با آمدن گواپیدو در ونزوئلا زندگی کارگران و زحمتکشان تا سر حد نابودی وخامت سقوط خواهد کرد اما البته بایستی از "قیام مردم" حمایت کرد. همان "مردمی" که گواپیدو را می خواهند. همان بچه پولدارها و میلیونرها و میلیاردرها. اربابان این بزهکاران سیاسی از ۵۲ سال قبل از "ال هیگوئرا" منتظر اند تا زنگ ناقوس مرگ نهائی سوسیالیسم در امریکای لاتین را به صدا درآورند و این دلکان و شیادان رذل نیز همانند لاشخوران منتظر پیروزی ناتو و یونکرهای المان هستند تا با شعار "زنده باد خط سوم" به پایکوبی در مرگ سوسیالیسم در امریکای لاتین بپردازند. خط سومی که تونی بلیر، جلاذ مردم عراق مبلغ آن بود و امروز خط سوم واقعی اینها جوخه های مرگ آبرامز (مأمور ویژه کمک رسانی انسانی به ونزوئلا- همان شخصی که مأموران ارسال تجهیزات نظامی به کنترا در نیکاراگوئه و جوخه های مرگ در کلمبیا تحت عنوان ارسال کمکهای انسانی بوده است) و سیا و موساد است، که اکنون شروع به فعالیت کرده اند.

توده های زحمتکش ونزوئلا مقاومت خواهند کرد و خزعبلات سیاسی این مزدوران، همانند تبلیغات رهبران نظامی و سیاسی شان در پنتاگون و برلین و بورژوازی مسلط غرب، در نتیجه مقاومت آن توده های زحمتکش در امریکای لاتین و موج همبستگی بین المللی رنگ خواهد باخت. برای این افراد دیر یا زود راهی جز دفاع علنی از تهاجم ناتو و امریکا و جوخه های مرگ در امریکای لاتین باقی نخواهد ماند. باید علناً ساقدوشی خود را برای مجریان کودتای چیلی و کنترای نیکاراگوئه اعلام کنند. کد آشنا و آبرو رفته آنها نیز فعلاً: تلاش برای جلوگیری از وقوع سناریوی سیاه است.

در مورد چپ سکولار نیز تعلق آن به جنبش دمکراسی، فمینیسم و سایر جنبشهای جندری و سایر اقشار و طبقات غیر کارگری، در شرایطی که این جنبشها خود به جزئی لاینفک از بورژوازی جهانی و ترانس آتلانتیک شده اند؛ نیز لازم به تذکر است، که با جذب آنها در بورژوازی غرب، به جزئی مؤثر از سیستم کارآرائی و بارآوری سیستم سرمایه داری در غرب تبدیل شده اند. این انتگراسیون طبقاتی حمایتی فعال از این پایگاه طبقاتی - مالی و مادی و دستگاه دولت را دیکته می کند و همانطور که مارکس نشان داد، باعث استحکام همه جانبه سیستم حکومتی می شود. بسیاری از این ها از این سطح هم فراتر رفته اند - و داوطلبانه به ارتباطی ارگانیک تر سیاسی - مالی (از طریق بنیادها و نهادهای دولتی و یا ان جی اوها) با سیستم سرکوب سیاسی حاکم وارد شده اند. اگر تا به امروز و با بهانه "همسویی حوثی های یمن با ایران" در برابر نابودی صدها هزار کودک و غیر نظامی بیگناه در یمن به دست دمکراسی غرب خفه قان گرفته اند. در مورد ونزوئلا و کوبا نیز در وهله اول سعی خواهند کرد، با نشخوار "چرندیات مربوط به خط سوم" این برخورد حمایتی از کودتا چپان را ادامه بدهند. تا زمانی که در نتیجه مقاومت توده های زحمتکش در ونزوئلا، کوبا و ... دیگر این امکان برایشان باقی نماند. آنموقع مجبور اند با دفاع تمام قد از کودتا "برای جلوگیری از خونریزی مردم"، رسماً چهره کریمه سیاسی خود را نشان دهند. نام واقعی این مزدوران کمونیست امپریالیستی است و نه کارگری.

سعید عطاپور

۲۲ فبروری ۲۰۱۹ - ۳ اسفند [حوت] ۹۷

(* ال هیگوئرا - محل قتل چه گوارا)

یادداشت:

تاجائی که از موضعگیری ها و تاریخ مبارزاتی "حزب کمونیست کارگری ایران" بر می آید، ایستاده شدن آنها در کنار

نیروهای اشغالگر امپریالیستی نه اولین بار است و نه هم آخرین آن خواهد ماند، مگر این که پرولتاریای رزمنده ایران با به خاک مالیدن پوزه رژیم آخوندی و بقیه نوکران امپریالیسم در ایران، بستر فعالیتهای چنین باند هائی را از بین ببرند. "حزب کمونیست کارگری ایران" درست ۱۸ سال قبل از امروز زمانی که امپریالیسم جنایتگستر آمریکا به بهانه رسوا و نخنمای مبارزه علیه تروریسم، طالب، تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک به خصوص برای زنان و مبارزه علیه مواد مخدر، برافغانستان لشکر کشیده از زمین و فضاء باران مرگ و نیستی را بر مردم دربند افغانستان سرازیر ساخت، در همان زمان با تأیید تجاوز غارتگرانه آمریکا نه تنها خودش را در باتلاق ننگ و نفرین خلق افغانستان و خلق های آزاده جهان و جنبش های ضد امپریالیستی غرق ساخت، بلکه به مثابه "قبله کاذب" چپ نماها، ذهن جم غفیری از نیروهای چپ ایرانی و افغان را مسموم و آلوده به خیانت و تأیید اشغال نیز نمود.

آنها در اتخاذ مواضع شان از آن جایی که از طرف شخص "منصور حکمت" اعلام شده است، آنچنان ثابت قدم اند که حتا امروز بعد از سپری شدن ۱۸ سال و آشکار شدن تمام ادعاهای دروغ امپریالیسم جنایتگستر آمریکا و شرکاء و سازش های آشکار و علنی آنها با ارتجاع هار مذهبی- جهادی و طالب- و کشتار بیش از ۲۰۰ هزار افغان ظرف این مدت و استفاده از مواد رادیواکتیف در اکثر بمباردمان ها و... هنوز هم حاضر نیستند، ضمن انتقاد از خود از خلق دلیر ما پوزش بخواهند.

تا جایی که برای پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" به مثابه بخشی از جنبش آزادیخواهانه، ضد امپریالیستی و مترقی افغانستان رابطه می گیرد، ما بار ها اعلام داشته ایم و باز هم می نگاریم:

نام و نشانی که یک گروه سیاسی بر خود می گذارد نمی تواند به تنهایی معرف ماهیت و کرکتر آن نهاد باشد، بلکه آنچه ماهیت و کرکتر آن نهاد را معین می سازد، این است که بدانیم در کجای تاریخ ایستاده است. در همسویی با امپریالیسم و ارتجاع و یا در تقابل با آنها. "حککا" دیربست که جایگاه خود را در کنار امپریالیسم و صهیونیسم انتخاب نموده است، از این رو دیگر برای ما مطرح نیست.

اداره پورتال AA-AA